



Considering the Ambiguities about the Historical Existence of Rajab Bursī, the Shiite Theologian and Mystic of the Eighth and Ninth Centuries

Dr. Habibollah Danesh Shahraki, Associate Professor, Qom University

Email: hdaneshshahraki@gmail.com

Dr. Nematullah Safari Foroushani, Professor of the History Department, Al-Mustafa International University

Mohammad Reza Layeghi, PhD student in Islamic Philosophy and Theology, Qom University

Abstract

Ḥāfiẓ Rajab Bursī is the author of books such as *Mashriq Anwār al-Yaqīn*, *Mashriq al-Amān*, *al-Dur al-Thamīn*, *al-Fayn*, and several others. He is best known for his specific Imamological ideas based on mentioning the virtues and ontological stations of the Ahl al-Bayt (P.B.U.T.). We have little information about his life. He is considered one of the scholars of the eighth and ninth centuries. Kaḥāmī first mentioned Bursī decades after his death. His name entered the works of biographers such as Afandī and Shaykh Ḥurr thirty hundred years after his lifetime. All those who have written about Bursī have taken his historical existence for granted. The main question of this research is whether the ambiguities about his historical existence can be removed? The purpose of this study is to address these ambiguities and evaluate them. According to the findings, there are no names of his shykhs and tutors, students, co-debaters and children. No contemporary has mentioned him or written a rebuttal to him. Bursī has not directly narrated from anyone. The research method is descriptive-analytical using a library research method. The result is that the ambiguities about his historical existence are so great that they can be taken into consideration.

Keywords: Historical ambiguities, Rajab Bursī, *Mashriq Anwār al-Yaqīn*, Kaḥāmī, Riyadh al-Ulama, Mele Perīṣān



سال ۵۳ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۰۶ - بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۲۱۵ - ۱۹۵	Home Page: https://jphilosophy.um.ac.ir/
شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۱۲	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۷۱
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶	تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱
نوع مقاله: پژوهشی	DOI: https://dx.doi.org/10.22067/epk.2021.68240.1006

ارزیابی ابهامات درباره وجود تاریخی رجب برسی متلکم و عارف شیعی قرن هشتم و نهم

دکتر حبیب الله دانش شهرکی

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

Email: <mailto:hdaneshshahraki@gmail.com>

دکتر نعمت الله صفری فروشانی

استاد گروه تاریخ مجتمع امام خمینی (ره)، وابسته به جامعه المصطفی العالمیه

محمدرضا لایقی

دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم

چکیده

حافظ رجب برسی صاحب کتبی مانند مشارق انوارالیقین، مشارق الامان، الدرالثمین، الفین و چندین اثر دیگر است. او بیشتر به اندیشه‌های خاص امام شناختی مبتنی بر ذکر فضائل و مقامات تکوینی اهل بیت علیهم السلام شناخته می‌شود. اطلاعات ما از زندگانی او اندک است. او را از عالمان قرن هشتم و نهم دانسته‌اند. کفعمی دهه‌ها پس از مرگ برسی نخستین بار از او یاد کرده است. ورود او به آثار ترجمه‌نگارانی همچون افندی و شیخ حرّ، سی صد سال پس از دوره زندگانی اش رخ می‌دهد. همه آنانی که در مورد برسی قلم زده‌اند وجود تاریخی او را امری مسلم انگاشته‌اند. سوال اصلی این پژوهش آن است که آیا می‌توان ابهامات مطرح در وجود تاریخی او را برطرف کرد؟ هدف ما از این پژوهش طرح این ابهامات و ارزیابی آن‌هاست. بر اساس یافته‌ها، هیچ نامی از مشایخ و استادان، شاگردان، مباحثان و فرزندان او وجود ندارد. هیچ معاصری نیز از وی یاد نکرده یا ردیه‌ای بر او نگاشته است. برسی از کسی به صورت مستقیم روایتی نقل نکرده است. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی بوده و به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتیجه آن که ابهامات در مورد وجود تاریخی او به قدری است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ابهامات تاریخی، رجب برسی، مشارق انوار الیقین، کفعمی، ریاض العلماء، ملاپیشان.

مقدمه

رضی‌الدین رجب بن محمد بن رجب برسی، فردی است که ادعا می‌شود در حوالی سال‌های ۷۳۴ تا ۸۱۳ قمری در عراق و ایران زیسته است. او را بیشتر به جهت اندیشه‌های خاص امام‌شناختی می‌توان شناخت که در حوزه فکر شیعی مطرح کرده است. این اندیشه‌ها را می‌توان آمیزه‌ای از فکر کلامی شیعی، تصوف نظری، اندیشه‌های غالبانه نصیری، سنت تقطوبه و حروفیه، فلسفه مشاء و اندیشه‌های باستانی ایرانی دانست. مشارق انوار الیقین، مشارق الامان و لباب حقائق الایمان، و چندین اثر دیگر که مجموعاً بالغ بر پانزده عدد می‌شوند (درایتی، ۱۳۵/۵۷۰). از جمله آثاری است که به نام او امروزه در دست ماست. این آثار اگرچه متعدد هستند، اما درون‌مایه همه آن‌ها تأکید بر جایگاه امام بنا بر اندیشه خاصی است که نویسنده این آثار بدان رسیده است.

برسی را بیشتر به اندیشه‌های خاص او در مسئله امامت می‌شناسیم. امام‌شناسی او به وضوح متأثر از عناصر صوفیانه، فلسفی، کلامی، حروفی، منابع گروه‌های غالی همچون نصیری است. به تعبیر کامل الشیبی «این متکلم گرایش عمیقی به معرفت سزای داشته و جهد می‌ورزیده به رازهای پیچیده احاطه یابد» (شیبی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ۲۵۳) با این وصف امام‌شناسی او به روشنی به سوی گرایش‌ها، تفاسیر و برداشت‌های باطنی تمایل دارد. او عصمت و منصوب بودن امام را کمترین فضایل و مقامات امام دانسته و مراتبی بسیار بالاتر را شایسته جایگاه امام می‌داند. او افراد را بر اساس دیدگاه‌شان در مسئله امامت، به چهار گروه تقسیم می‌کند: قالیان، غالبان، تالیان یا موالیان و در نهایت عارفان. در این میان این تنها عارفان‌اند که به مقصود راه یافته‌اند (برسی، ۱۸۰).

برسی ائمه «علیهم السلام» را برتر از همه انبیاء جز حضرت محمد «صلی‌الله‌علیه‌وآله» می‌داند. به باور او جبرئیل با تمام رفعت، خادم درگاه امیرالمومنین «علیه السلام» است و همواره ملازم رکاب و فرمانبر حضرت امیر بوده است (برسی، ۱۷۴). نقطه محوری در اندیشه رضی‌الدین رجب برسی، مسئله ولایت و شخص امام و به ویژه امیرالمومنین علی «علیه السلام» است. مقامات حضرت علی «علیه السلام» تمام ذهن و اندیشه او را پر کرده است. او از همه مفاهیم، آیات، پدیده‌ها و غیره، تفسیری ولایی به دست می‌دهد. اوصافی که او برای امامان در آثار خود ذکر می‌کند، فراتر از حد شمارش است. علاقه وافر برسی به دانش اعداد و حروف در آثار او هویداست (برسی، ۲۴). برسی خود را محدث نامیده و برای خود لقب حافظ را به کار می‌برد. حافظ در میان اهل سنت، کسی است که صدهزار روایت با سندش حفظ باشد. این لقب به جز برخی موارد انگشت‌شمار، در میان محدثان شیعه کاربردی نداشته است. او روایات بسیاری را نیز در آثار خود نقل کرده است. با توجه به فترت حدیثی امامیه در قرون هشتم و نهم، برسی از این جهت

نیز حائز اهمیت فراوانی است. با وجود این، به دلیل استفاده بسیاری که برسی از آیات قرآنی در آثار خود داشته است، چه بسا او حافظ قرآن بوده باشد و لقب حافظ اشاره به این مسئله باشد.

اندیشه‌های ویژه برسی در مسئله امامت و خصوصاً در حوزه مقامات و فضائل ائمه سبب شده است که برخی اندیشه‌های او را به غلو نسبت دهند. این در حالی است که برسی خود بارها بر پایبندی به اندیشه توحیدی شیعه پافشاری کرده و با نفی و رد غلو این اتهام را در حق خود روا نمی‌داند (برسی، ۹۳-۹۴).

به هر روی، اندیشه‌های امام‌شناختی رجب برسی که به ظاهر تا پیش از او در دایره تشیع رسمی و خط اصیل شیعی نماینده‌ای نداشته، پس از او اندک‌اندک در میان طوایف مختلف طرفدارانی یافت. برای نمونه، باید از صدرا و پیروان او، پیروان شیعی ابن عربی و مبانی عرفان نظری، شیخیه، صوفیان ذهبی و نعمت-اللهی و دیگران نام برد. پرداختن به اندیشه‌های رجب برسی، ریشه‌یابی، نقد، تأثیرات و دیگر مواردی که می‌توان در مورد افکار یک اندیشمند صورت پذیرد وظیفه این نوشتار نیست. این پژوهش کوشیده است با پرداختن به شواهد و قرائنی مغفول، بدین پرسش پاسخ دهد که آیا می‌توان - چنان‌که تاکنون در میان محققان رخ داده است - رضی‌الدین رجب بن محمد بن رجب برسی مشهور به حافظ رجب برسی را شخصیتی تاریخی و واقعی در تاریخ کلام و فکر شیعی دانست؟!

۱. رجب برسی در میان عالمان شیعه

بسیاری از منابع تراجم و شرح حال نویسی یا پژوهشگرانی که به اندیشه‌های رجب برسی پرداخته‌اند، به وجود ابهاماتی پیرامون شخصیت رجب برسی تصریح کرده‌اند. نخست باید دید برسی از چه زمانی در میان عالمان شیعی مطرح بوده است. برخی محققان معاصر، حسن بن محمد دیلمی را نخستین کسی دانسته‌اند که از برسی نام برده است. از تاریخ دقیق تولد و وفات دیلمی اطلاع دقیقی در دست نیست. اما دوران زندگی او را بین ۷۲۶ تا ۸۴۱ قمری تخمین زده‌اند (مختاری، ۱۰۴/۳). مستند این سخن، شعری است که در جلد دوم *ارشاد القلوب* دیلمی از برسی در مدح امیرالمؤمنین علی «علیه السلام» نقل شده است. مطلع این شعر «هم القوم آثار النبوة منهم» است؛ اما این ادعا صحیح نیست. زیرا فارغ از آن‌که در انتساب جلد دوم *ارشاد القلوب* به دیلمی تردید وجود دارد، این شعر نیز در آخرین صفحه این کتاب و پس از آن‌که مؤلف تمام کتاب را با عبارت: «تم المجلد الثاني من ارشاد القلوب للديلمي و هو في مناقب اهل البيت الاطهار عليهم السلام» اعلام می‌کند ذکر شده است (دیلمی، ۲/۴۴۶). با این توصیف، از منظر نسخه‌شناختی می‌توان گفت که این شعر ربطی به اصل کتاب ندارد و توسط ناسخ یا مالکان بعدی کتاب افزوده شده و مصحح تصور کرده که جزو کتاب است.

فرد دیگری از عالمان شیعه نزدیک به عصر بُرسی که میان او و حافظ رجب ارتباطی شاعرانه گزارش شده، شیخ فخرالدین احمد مشهور به السَّبْعِي است (افندی، ۱۲۲/۷). به گفته شیخ حرّ (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ق.) او از شاگردان شهید اول (۷۳۴-۷۸۶ق.) روایت نقل می‌کرده است. (حرّ عاملی، ۱۴/۲) افندی در ریاض العلماء او را شاگرد ابن متّوج بحرانی (قرن‌های هشتم و نهم) که از شاگردان شهید بوده دانسته است (افندی، ۱۲۲/۷). *سدید الافهام فی شرح قواعد الاحکام* از آثار اوست که به گفته سید حسین بروجردی به سال ۸۳۶ قمری از تألیف آن فارغ گشته است. سبعی همچنین شرحی بر *الفیه* شهید دارد که آقابزرگ آن را نگاشته‌شده در سال ۸۵۳ قمری در هند به امر علی بن محمد بن حسن از سادات و بزرگان آن دیار می‌داند (آقابزرگ، اعلام الشیعه، ۷/۶). در حالی که خوانساری از خطّ خود مؤلف در نسخه کهنی که نزدش موجود بوده است نقل می‌کند که وی در عصر روز شنبه دوازدهم جمادی الاولی سال ۹۵۳ق. از تألیف آن فراغت یافته است! این اختلاف چشمگیر در مورد تاریخ وفات وی نیز وجود دارد. صاحب *ریحانة الادب* در این مورد می‌نویسد:

«وفات سبعی به نوشته بعضی از اجلّه به سال نهصد و شصت و اند از هجرت در هند وقوع یافته، و لکن این تاریخ با در نظر گرفتن این که سبعی از تلامذۀ ابن المتّوج بحرانی و او نیز از شاگردان شهید اول (متوفی به سال ۷۸۶ق.) و فخر المحقّقین (متوفی به سال ۷۷۱ق.) بوده است و با ملاحظه تاریخ تألیف دو کتاب *انوار علویّه* و *سدید الافهام* که از *الذریعه* و بروجردی نقل کردیم بسیار مستبعد می‌باشد. اما تاریخ دیگر که از *روضات* نسبت به تألیف کتاب *انوار علویّه* نقل شده دور نیست که ناشی از اشتباه صاحب *روضات* و یا جهات دیگر بوده و مع ذلک محتاج به تتبع زاید است» (تبریزی، ۴۳۴/۲).

شیبی نیز با استناد به سخن شیخ عباس قمی در *الکنی و الالقاب* (قمی، ۳۰۷/۲) سبعی را متوفای نهصد و شصت و اند در هند دانسته و سخن علامه امینی را مبنی بر معاصرت سبعی با ابن‌فهد (۷۵۷-۸۴۱ق.) (و طبعاً رجب بُرسی) خطا می‌داند (شیبی، *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ۲۵۲). مدرس تبریزی (۱۲۹۶-۱۳۷۳ق.) بی‌آن که به منبعی اشاره کند، در مورد سبعی گفته است که او شعری از بُرسی در مدح علی «علیه السلام» را تخمیس کرده است (تبریزی، ۴۳۳/۲). چنان که شیبی گفته است این همان قصیده رانیۀ بُرسی است. مدرس تبریزی نیز چند بیت از شعر بُرسی را گزارش کرده است. بیت اول چنین است:

۰۱ در مورد ابن فهد و گرایش او به عرفان نظری و قرابت فکری او با صوفیه رک: (شیبی، *الفکر الشیعی و النزعات الصوفیه حتی مطلع القرن الثانی عشر الهجری*، ۲۸۸-۳۰۱)

«اعیت صفاتك اهل الرأى والنظر و اوردهم حياض الضجر والحصر»^۱ (تبریزی، ۲/۴۳۴).

اگر چنانکه برخی گفته‌اند، دوه زندگانی احمد سبعی قرن هشتم و نهم باشد، می‌توان او را معاصر بُرسی دانست. در صورتی که صحت انتساب این مخمس نیز برای ما ثابت شود، او را باید اولین کسی دانست که از بُرسی به ما خبر داده است. اما در صورت صحت تاریخ ۹۶۰ قمری برای وفات او، این سخن درست نیست. هم‌چنانکه اگر نتوان انتساب این مخمس را بدو ثابت نمود، باید از وی به عنوان اولین کسی که دلالتی بر بُرسی نموده است صرف‌نظر کرد. نگارنده با وجود تتبع در منابع کهن، اثری از این اشعار برای سبعی و این‌که تخمیس شعر بُرسی بوده باشد نیافت.

به هر روی، ظاهراً تاکنون تقی‌الدین ابراهیم بن علی عاملی کفعمی (۸۴۰-۹۰۰ ق.) را باید نخستین کسی دانست که اثری از بُرسی در کتاب‌هایش دیده می‌شود. کفعمی از وی با عنوان «شیخ رجب بن محمد بن رجب الحافظ» نام برده و در برخی آثار خود، نکاتی را از مشارق‌الانوار یا دیگر آثار وی نقل می‌کند (کفعمی، البلد الامین، ۶۷۲).^۱ نکته قابل توجه آن است که کفعمی مدعی است دستورالعملی معنوی را در مورد بهبود چشم‌درد به خط رجب بُرسی دیده است و در کتاب خود نقل می‌کند. وی در مصباح می‌نویسد:

«و رأیت بخط الشیخ رجب بن محمد الحافظ فی بعض مصنفاته أنه من تلا الشکور من أسمائه علی ماء اربعین مرّة و غسلت منه العین الرمده بریت بیذن الله تعالی» (کفعمی، المصباح، ۱۷۶).

کفعمی در کتاب مجموع الغرائب و موضوع الرغائب مختصری از مشارق بُرسی را که از آن با نام مشارق الانوار فی حقائق الاسرار فی معرفة ائمة الاطهار و هداة الابرار نام می‌برد گزارش می‌کند (کفعمی، مجموع الغرائب، ۲۴۹).

پس از کفعمی، فخرالدین طریحی (۹۷۹-۱۰۸۵ یا ۱۰۸۷ ق.) از بُرسی با نام شاعر یاد کرده و شعر پیش‌گفته را در کتاب خود ذکر می‌کند (طریحی، المنتحب، ۱/۲۱۰). سید ولی‌الله رضوی حائری (زنده به سال ۹۸۱ ق.) نیز در آثار خود مانند کنزالمطالب و دررالمطالب و غرر المناقب فی فضائل علی بن ابی طالب (تألیف: ۹۸۰-۹۸۱ ق.) از مشارق‌الانوار و مشارق‌الامان بُرسی به نقل روایت می‌پردازد (رضوی حائری، دررالمطالب و غرر المناقب فی فضائل علی بن ابی طالب، ۱۰۳، ۲۶۸). محمدتقی بن مقصود

۱. صورت کامل را در (شیر، ۲۴۵/۴ یا ۲۵۰) ببینید. صاحب‌ادب‌الطف نیز تنها اشاره می‌کند که بررسی قصیده رانی‌ای دارد که سبعی آن را تخمیس کرده است. ۱. کفعمی در ابتدای مصباح می‌گوید: مطالب کتاب خود را از منابع قابل اعتماد نقل کرده است که امر شده است به آن‌ها تمسک کرد (کفعمی، المصباح، ۶) با وجود این، نقل از مشارق‌الانوار بررسی جای تأمل دارد.

علی اصفهانی (۱۰۰۳-۱۰۷۰ق.) مشهور به مجلسی اول، پدر علامه مجلسی نیز دیگر عالم شیعی است که در *روضه‌المتقین* از برسی نام برده است. او در میان زیارات بسیاری که برای ائمه (علیهم‌السلام) نقل شده است، بعد از زیارت جامعه، زیارتی را که برسی نقل کرده از دیگر زیارات برتر می‌داند (مجلسی اول، ۴۲۴/۵) ملا محسن فیض (۱۰۰۷-۱۰۹۱ق.) در *کلمات مکتونه* با عنوان «شیخ رجب محمد بن رجب البرسی الحلّی» از وی نام برده و خطبه‌ای را که برسی در مشارق‌الانوار از قول امام علی «علیه‌السلام» آورده و با عبارت «انا عندی مفاتیح الغیب» آغاز می‌شود (برسی، ۲۳۰) گزارش می‌کند (فیض کاشانی، ۲۲۳).

شیخ حرّ عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق.) در *امل‌الامل* برسی را فاضل، شاعر، منشی و ادیب معرفی می‌کند. به باور وی در کتاب برسی افراط است و او به غلو منسوب شده است (حر عاملی، ۱۱۷/۲). علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق.) از او با تعبیر «الشیخ الحافظ رضی‌الدین محمد بن محمد بن رجب البرسی مولداً و الحلّی محتداً من عرفاء الامامیه و محدثیهم» نام برده و خلاصه آن‌چه را افندی در ریاض در مورد برسی ذکر کرده است را می‌آورد.^۱ سید هاشم بن سلیمان توپلی بحرانی (حدود ۱۰۵۰-۱۱۰۷ق.) یا (۱۱۰۹ق.) صاحب *تفسیر البرهان* نیز در برخی آثار خود از کتاب برسی مطالبی نقل می‌کند (بحرانی، *حلیه الابرار فی احوال محمد و آله الاطهار علیهم‌السلام*، ۱۵-۱۸؛ بحرانی، *ینابیع المعاجز و اصول الدلائل*، ۳۳۹). وی از برسی با عنوان شیخ فاضل یاد کرده و کتاب برسی را که ظاهراً مشارق مراد است از جمله منابع خود در *البرهان* نام می‌برد (بحرانی، *البرهان*، ۷۰/۱). او در برخی مواضع تفسیر خود از برسی روایت می‌کند (بحرانی، *البرهان*، ۳/۴۹۹، ۵۰۰، ۷۶/۴، ۸۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۳۷۵، ۵۷۰، ۱۸۹/۵، ۶۸۹). سید نعمت‌الله جزایری (۱۰۵۰-۱۱۱۲ق.) در جلد نخست *انوار نعمانیه*، خبری را از کتاب برسی در مورد شجاعت حضرت امیر «علیه‌السلام» نقل می‌کند (جزایری، *الانوار النعمانیه*، ۴۶/۱).

از میان ترجمه‌نگاران متأخر شیعه، نخستین کسی که مبسوط‌ترین مطالب را در مورد رجب برسی آورده، میرزا عبدالله افندی (۱۰۶۶-۱۱۳۰ق.) است. او در *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء* از برسی سخن گفته و آثار وی را برشمرده است. افندی همچنین به نسخه‌هایی از آثار برسی که در اختیار داشته اشاره کرده و برخی نکات را هم در این رابطه یادآور شده است. وی برسی را از عالمان متأخر امامیه می‌داند که البته مقدم بر کفعمی است. او تصریح می‌کند که تاکنون مشایخی برای رجب برسی شناخته و نمی‌داند نزد چه کسی درس خوانده است (افندی، ۳۰۴/۲). افندی پیرامون واژه «برسی» نیز بحث کرده و برخی احتمالات را ذکر می‌نماید و در نهایت انتساب به برسی جله را تقویت می‌کند. با این حساب افندی نیز اطلاعات

۱. جالب آن‌جا است که افندی نیز در *ریاض هنگام ترجمه برسی* با عنوان استاد الاستاد از علامه مجلسی نام برده و سخن او در بحار را که دو کتاب مشارق و الفین را از برسی دانسته است نقل می‌کند (افندی، ۳۰۸/۲).

تعیین کننده‌ای در مورد زندگانی بُرسی به ما نمی‌دهد. چنان‌که گفتیم علامه مجلسی نیز گزیده‌سخنان افندی را در بحار منعکس کرده است. اطلاعات افندی در مورد رجب بُرسی دست‌مایه اکثر نگاه‌هاست که پس از او به معرفی بُرسی پرداخته‌اند. شبی به درستی معتقد است که تمامی نقائص اطلاعات بُرسی به منابع بعدی نیز منتقل شده استثنایی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، (۲۴۸).

همان‌گونه که می‌بینیم، نام بُرسی تا سه سده بعد از تاریخی که برای وفات او گفته شده است، به کتب تراجم امامیان راه نیافته است. نخستین توجه ترجمه‌نگاران به وی از طرف حرّ عاملی و افندی صورت می‌گیرد. نگاه‌های این دو منبع و اساس مطالبی است که منابع معاصر و متأخر از آن‌ها درباره بُرسی گزارش کرده‌اند. با دقت در آنچه این دو منبع دربارل شیخ رجب بُرسی نقل کرده‌اند می‌توان دریافت که نوشته‌های *امل‌الامل* و *ریاض‌العلماء*، تلاشی برای بازخوانی زندگانی وی بر اساس تحلیل آثار مکتوبی همچون *مشارق‌الانوار* است که به وی منسوب شده است. در واقع افندی و حرّ عاملی هیچ‌گونه اطلاعی جز آن‌چه از تحلیل آثار او استخراج کرده‌اند در دست نداشته‌اند. به تعبیر دیگر، ایشان به پردازش شخصیت بُرسی بر اساس نسخه‌هایی از کتاب‌های او پرداخته‌اند.

در ادامه و از میان شرح‌حال‌نگاران شیعه، سید محمدباقر خوانساری (۱۲۲۶-۱۳۱۳ق.) در *روضات الجنات*، از بُرسی یاد کرده است. خوانساری او را از عالمان اواخر قرن هشتم یا اوایل قرن نهم می‌داند. به باور او با این حساب باید او را معاصر تفتازانی صاحب *مطول* (۷۲۲-۷۹۲ق.) و جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ق.) از عالمان عامه و نیز فاضل مقداد (م ۸۲۶ق.) و ابن‌المتوج (م ۸۲۰ق.) از فقیهان امامی دانست (خوانساری، ۳/۳۰۳). او سعی دارد بر اساس این تطبیق‌ها بر جزئیات زندگانی بُرسی بیفزاید. خوانساری نیز گزیده‌ای از سخنان افندی در *ریاض‌العلماء* را ذکر می‌کند (خوانساری، ۳/۳۴۰). صاحب *روضات* مخالف سرسخت تصوف و باطنی‌گری است. با همین نگاه در ادامه شرح حال بُرسی به انتقاد از او پرداخته و شیخیه و باب را متأثر از سخنان وی می‌داند (خوانساری، ۳/۳۴۰).

سید محسن امین عاملی (۱۲۸۴-۱۳۷۱ق.) بی‌اشاره به منبعی او را زنده در ۸۱۳ قمری دانسته که در همین حوالی وفات کرده است. او نیز نکاتی را که مجلسی، حرّ عاملی و افندی ذکر کرده‌اند گزارش می‌کند. امین عاملی با باورهای بُرسی همراه نیست و اگرچه او را از اتهام غلوّی که سبب فساد عقیده شود، مبری می‌داند، اما سخنان او را بی‌فایده و مضر ارزیابی می‌کند (امین، ۳/۴۶۵-۴۶۶). نکته افزون‌تری که در نوشتل او می‌بینیم، اشاره به نقل بُرسی از ابوالفضل شاذان بن جبرئیل بن اسماعیل القمی است (امین، ۳/۴۶۵). ما این مسئله را در ادامه بررسی خواهیم کرد.

شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۹۳ق-۱۳۸۹ق.) کتاب‌شناس بزرگ معاصر، در *الذریعة الی تصانیف*

الشیعة (برای مثال رک: شیخ آقا بزرگ، الذریعة، ۳۹/۲، ۲۹۹، ۳۹۱؛ ۴/۳۳۵؛ ۷/۲۰۱؛ ۸/۶۵؛ ۹، القسم الاول/ ۱۵۸ و...) و نیز در طبقات اعلام الشیعة (برای مثال رک: شیخ آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعة، ۷/۶، ۱۷) به معرفی بُرسی و آثار او پرداخته و نکاتی را پیرامون وی افزوده است. در نهایت باید از دکتر کامل مصطفی الشیبی (۱۹۲۷ - ۲۰۰۶ م.) نام برد که در اثری با نام التشیع والتصوف، به اقتضای موضوع پژوهش خود تحقیقی مختصر و البته نه چندان کامل در مورد بُرسی به دست داده است. شیبی نیز می‌کوشد با تحلیل اشعار و پاره‌ای جزئیات، صورتی واقعی به زندگانی بُرسی ببخشد.^۱

در میان مستشرقان، هانری کرین (۱۹۰۳-۱۹۷۸ م.) را باید نخستین کسی دانست که به شخصیت و اندیشه‌های رجب بُرسی توجه یافته و در درس‌گفتارهای خود به معرفی بُرسی و آثار و اندیشه‌های او پرداخته است. پس از او شاگردش پیر لوری (متولد ۱۹۵۲ م.) با دست‌مایه قرار دادن کارهای کرین، این مسیر را یک قدم پیش برده است. بی‌تاد لاوسن نیز دیگر فردی است که در مجموعه‌ای با عنوان میراث تصوف تک-نگاری‌ای در مورد بُرسی سامان داده است (Lawson, 2/261-267). در نهایت محمد علی امیر معزی در مقاله‌ای مفصل که به زبان فرانسوی منتشر کرده است، آخرین تحقیقات غرب در زمینه رجب بُرسی را عرضه می‌کند (Amir-Moezzi, 207-240). امیر معزی در این مقاله به کتاب الدرالشمین بُرسی پرداخته و مضمون آن را معرفی و تحلیل نموده است. او در ابتدای این مقاله گزارشی از کارهایی که تاکنون در مورد بُرسی صورت گرفته است به دست داده است. او همچنین در بخش دوم مقاله خود، شرحی از زندگانی بُرسی بر اساس منابع ارائه کرده است. وی در این بخش از پژوهش شیبی بهره‌افراوان گرفته و برخی اشتباهات شیبی را نیز عیناً تکرار نموده است. این‌ها همه نیز در نگارش‌های خود تردیدی در وجود تاریخی شخصیت رجب بُرسی روا نداشته و از ابهامات مشهودی که پیرامون این نام است به آسانی عبور کرده‌اند.

۲. بررسی ابهامات وجود تاریخی حافظ رجب البُرسی

چنان‌که گفتیم همه کسانی که تاکنون به رجب بُرسی پرداخته‌اند، اصل وجود تاریخی او را مفروض گرفته‌اند؛ به ویژه در دوره‌های اخیر که پژوهش‌گران و تراجم‌نویسان بر اساس منابعی چون ریاض العلماء افندی، بحارالانوار مجلسی و امل‌الامل حرّ عاملی، در کنار برداشت از برخی سخنان بُرسی در آثارش، به شرح زندگانی او پرداخته و نقطه تمرکز خود را بر روی آثار وی برده‌اند و به واکاوی اندیشه‌های عموماً

۱. برای مثال او از لقب حافظ برداشت می‌کند که برسی اساساً حلی یا شیعه نبوده است؛ زیرا اولاً عنوان حافظ را محدثان عامه به کار می‌برده‌اند و نیز تخلص در شعر از عادات شاعران ایرانی است و نه عرب. همچنین از اختلاف نظر در مدفن او نیز استفاده می‌کند که وی به دلیل فشارهای محیط خود به ایران آمده و در ایران از دنیا رفته است. رک: (شیبی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ۲۴۲).

امام‌شناختی او پرداخته‌اند. برخی محققان نیز اگرچه به وجود ابهاماتی در زندگانی بُرسی اشاره کرده‌اند، اما این ابهام را به دلیل اندیشه‌های نامأنوس او دانسته‌اند (شیبی، *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ۲۳۹). با وجود این، نگارنده با بررسی مکرر آثار رجب بُرسی و شرح حال او، به شواهد و قرائنی توجه یافت که جای ابهام و تشکیک را در وجود تاریخی چنین فردی در سال‌های گفته شده باز می‌کند. در مقابل نیز شواهدی بر وجود تاریخی این شخصیت می‌توان یافت. لکن دقت و واکاوی این شواهد نشان‌گر مخدوش بودن آن‌هاست. ما در ابتدا شواهد وجود تاریخی بُرسی را طرح و نقد کرده و در ادامه ابهامات موجود پیرامون وی را بررسی خواهیم کرد.

– شواهدی بر وجود تاریخی رجب بُرسی

۱. ملا ابوالقاسم پریشان لر

ملا ابوالقاسم پریشان لر یا کُرد، شاعری شیعی است که گفته‌اند هم‌عصر و شاگرد رجب بُرسی بوده است. برخی با استناد به اشعار وی او را شیعل امامی و با گرایش‌های حروفی معرفی کرده‌اند (روحبخشان، ۶۲۷/۱۳) آقابزرگ او را شاگرد بُرسی معرفی می‌کند و بر این اساس وی را از شاعران قرن نهم می‌داند. از او دیوانی با نام *پریشان‌نامه* به زبان کردی بر جای مانده است. خوشبختانه *پریشان لر* امروزه چندان ناشناخته نیست. دیوان او بارها تصحیح و چاپ شده است. در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی* نیز مدخلی ویژه او نگاشته شده است. در عین حال، میان محققان در کُرد یا لر بودن او اختلاف است. برخی او را اهل دینور دانسته‌اند و بر کرد بودنش تأکید کرده‌اند. اما برخی دیگر وی را از دلفان شهری در شمال غربی لرستان کنونی و لک‌زبان شناسانده‌اند. اشعار او به گویش لکی مستند سخن این دسته قرار گرفته است. مستند سخن آقابزرگ و دیگران در مورد معاصرت ملا پریشان با بُرسی دو بیت از اشعار اوست. ملا پریشان در این دو بیت به نام بُرسی و شاگردی پنجاه ساله خود نزد او تصریح کرده است (شیخ آقا بزرگ، ۹، *القسم الاول/ ۱۵۸*). این دو بیت که در برخی از نسخ موجودند و اختلافاتی نیز با هم دارند، بر اساس نقل نسخه محمدباقر قاجار با تصحیح میرزا علی اکبر صدرالاسلام که در سال ۱۳۱۸ قمری کتابت شده است، از این قرارند:

و تُرس و سُلّم و سلّم تُرسی شیخ رجب بُرسی بو همه قرصی
پنجاه سال طریق خدمتم گذاشت جر بزه یک حرف زیادت نداشت
(ملا پریشان لر، ۱۳)

بر این اساس ما شواهدی بر وجود تاریخی رجب بُرسی یافته‌ایم.

- نقد و بررسی

نخست آن که باید دانست ملاپریشان لر خود فردی مجهول است. چنان که محمدباقر قاجار کاتب نسخه ۱۳۱۸ پریشان نامه نیز تصریح کرده که ما هیچ اطلاعاتی به جز آن چه در اشعار وی ذکر شده است از او نداریم. حال تمامی آن ها که ملاپریشان را معاصر برسی به شمار آورده اند، به دو بیتی که نقل شد استناد جسته اند؛ حال آن که:

✓ این دو بیت در برخی از نسخه ها وجود ندارد (رک: درایتی، ۱۵/۸۷۸).

✓ این اثر به افراد دیگری نظیر مرتضی قلی بیگ پریشان فراگزلو (قرن ۱۳ق.) و یوسف ملائی نسبت داده شده است (رک: درایتی، ۶/۴۳۳؛ ۱۵/۷۸).

✓ محمد باقر قاجار ناسخ یکی از نسخه های این اثر در سال ۱۳۱۸ قمری که به گفته برخی محققان نسخه اش مزیت هایی بر دیگر نسخه های ملاپریشان دارد^۱ در ابتدای نسخه خود این چنین می نویسد:

«در عشر ثامن از ماه ثالث بعد الالف از هجرت ملا محمد علی نهاوندی تعزیت خوان معروف بغمزه نسخت این ابیات پریشان را به کرمانشاهان آورده منتشر ساخت و چنان که می گفت که وقتی به هرسین رفتم اوراقی دیدم که بر پنجره خانه چسبانیده بودند. این ابیات را بر آن نگاشته یافتم و نسخت برگرفتم. پس از تحقیق معلوم شد که کتابی ضخیم بوده و به مرور ایام پراکنده گشته و چنان که می گفتند این شخص عالم عارف متخلص به پریشان از مردم همان ناحیت بوده؛ اما خبری از تاریخ عهد و عمر او معلوم نشد، جز آن که معاصر بوده با شیخ رجب برسی... به هر حال این ابیات را ترتیب صحیح از میان برفته و تخلیط و اسقاط بر آن راه یافته... و پس از ملا محمد علی که حافظ و محقق این ابیات بود، چون نسخت به دست عوام و اکراد افتاد و عاجز از فهم مقصود بودند، نسخت ها که از آن بگردند هر یک به قسمی مخلوط و ابیات به مخلوط گشت...» (ملا پریشان لر، ۱-۲).

صدراالاسلام در چند جای دیگر این نسخه نیز با توجه به پاره ای مشکلات، برخی ابیات را از ملاپریشان ندانسته و آن ها را الحاقی می داند. برای مثال در حاشیه صفحه انتهایی و ناظر به برخی ابیات می نویسد: «پس از به دست آوردن نسخه دیگر، معلوم شد که این ابیات از پریشان نیست. پس از تتبع محقق شد از ملک حسین خان کلیایی است» (ملا پریشان لر، ۳۰). در قسمت بالای این صفحه نیز به مناسبتی نوشته است: «قم در این جا تکرار شد، شاید این اشعار از ملاپریشان نباشد و الحاقی است» (ملا پریشان لر، ۳۰). با این وصف، بعید بتوان صحت انتساب دو بیت مذکور به فردی به نام ملاپریشان را تأیید

۱. عبدالحسین، طالعی، «دیوان پریشان، منظومه ای کردی و شیعی از سده نهم»، حلقه کاتبان.

کرد تا بتوان به وسیله او وجود بُرسی را ثابت دانست.

✓ بافت معنایی اشعاری که دو بیت مذکور در آن ذکر شده است، گواه الحاقی بودن این دو بیت است. توضیح آن که شاعر این دو بیت را در انتهای فصلی می آورد که در نقد ظاهر بینان قشری مسلک که توان فهم سخنان باطنی او را ندارند آورده است. وی در این دو بیت به تحقیر شیخ رجب بُرسی پرداخته و او را از درک یک حرف ناتوان قلمداد می کند. طبعاً این رجب بُرسی با رجب بُرسی صاحب *مشارق الانوار* که از فرط باطن گرایی و فضائل گویی و اندیشه های عرفانی ولایی متهم به غلو شده است، نمی تواند نسبتی داشته باشد.

✓ بررسی ادبیات و زبان این اشعار نشان گر آن است که اگر فردی به نام ملا ابوالقاسم پریشان لر شاعر این اشعار باشد، این ابیات به احتمال برای پس از قرن یازده بوده و نمی تواند متعلق به قرن هشتم و نهم باشد. اطلاعات فنخا از نسخه ها و شاعر این اشعار حائز اهمیت است.

۲. احمد بن رجب و ابوطالب بن رجب؛ فرزندان بُرسی

چنان که اشاره شد، از نکات ابهام زای زندگی بُرسی آن است که وی نامی از فرزندان خود نمی برد. تراجم نگاران نیز عموماً از فرزندان و اعقاب وی اسمی نبرده اند. در حالی که با پذیرش واقعیت داشتن یک فرد، آن هم عالمی صاحب اثر همچون بُرسی، طبیعی است که نام و نشان از فرزندان و خاندان او نیز به شکلی به میان آید. برای نمونه، در مورد سیدین طاووس می بینیم که یک کتاب خود را خطاب به فرزندان او نوشته است. در مورد رجب بُرسی نیز برخی متأخران دو «ابن رجب» را به احتمال فرزند او دانسته اند. نخستین کسی که احتمال داده شده است فرزند اوست، فردی به نام جمال الدین احمد بن رجب است (شیخ آقا بزرگ، *طبقات اعلام الشیعه*، ۱۶/۲۵). شیخ آقابزرگ احتمال می دهد که او فرزند رجب بُرسی باشد. آقابزرگ توصیف کفعمی را از این ابن رجب در حواشی مصباح با تعبیر «الشیخ جمال الدین الامام العالم رحمه الله» ذکر کرده است. در همین گزارش آمده است که کفعمی از وی شکل مشهور منظوم در شعر یعنی «خمس ها آت و خط فوق خط...» را نقل کرده است (شیخ آقا بزرگ، *طبقات اعلام الشیعه*، ۶/۷) اگر این احتمال صحیح باشد، یکی از ابهامات زندگی بُرسی برطرف شده است. اما آیا این که نام پدر این شخصیت رجب باشد، می تواند اثبات کند که این رجب همان رجب بُرسی است؟ ظاهراً این گونه نیست. در ادامه خواهیم دید که این شاهد ضعیف تر نیز خواهد شد.

دومین فردی که احتمال داده شده فرزند بُرسی باشد ابوطالب بن رجب است. آیا این ابوطالب کنیه ای است برای همان احمد یا فردی است جز او؟ نمی دانیم. اما اثبات فرزند بودن او برای رجب بُرسی به جهاتی بسیار مهم تر از اثبات فرزندی احمد بن رجب است. به نقل آقابزرگ، مجلسی دوم در کتاب الدعاء

پس از نقل «الجوشن الصغیر» از مهج الدعوات، متن آن چه را در برخی از نسخه‌های این اثر دیده است گزارش می‌کند. گزارش مجلسی این است: «يقول كاتبه الفقير الى الله تعالى ابوطالب بن رجب: وجدت دعاء الجوشن الصغیر و خبره و فضله فی کتاب من كتب جدی السعيد تقی الدین الحسن بن داود بغیر هذه الروایة، فاحببت إثباته فی هذا المكان» (شیخ آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعه، ۷۰/۶). تهرانی سپس خبری را که مجلسی ذیل جوشن صغیر از کفعمی نقل کرده ذکر کرده است. آقابزرگ از این که مجلسی با عنوان شیخ و ابن الشیخ رجب از ابوطالب بن رجب یاد کرده است برداشت می‌کند که او از عالمان بوده است. این مطلبی است که افندی نیز در ریاض به آن تصریح می‌کند. افندی هنگام سخن گفتن از ابن داوود می‌گوید که وی سبطی فاضل با نام ابوطالب داشته است (افندی، ۲۵۴/۱). آقابزرگ در ادامه با تعبیر «لعل» احتمال می‌دهد که او فرزند رجب برسی بوده باشد. نیز احتمال می‌دهد جد ابوطالب بن رجب که وی از کتابش عبارات بالا را نقل کرده است، شیخ تقی الدین حسن بن علی بن داود حلی (۶۴۷- بعد از ۷۰۷ ق.) صاحب رجال باشد (شیخ آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعه، ۷۱/۶).

چنان که می‌بینیم اگر این احتمالات در مورد ابوطالب بن رجب درست باشد، ما یک گام به شخصیت رجب برسی نزدیک‌تر می‌شویم. بر این اساس، تقی الدین داود حلی باید جد مادری ابوطالب بن رجب باشد. زیرا نام پدر رجب برسی چنان که گفته شده است محمد بن رجب بوده است. در این صورت رجب برسی داماد ابن داوود حلی است و دختر وی را به همسری گرفته است.

نقد و بررسی

این دیدگاه نیز قابل پذیرش نیست. زیرا ابن داوود حلی متولد ۶۴۷ قمری اس (ابن داود حلی، ۳). وفات ابن داوود را پس از سال هفتصد و هفت دانسته‌اند. این در حالی است که نزدیک‌ترین تاریخ تولد برسی را ۷۳۴ قمری گفته‌اند. ما اگر وفات ابن داود را سال ۷۲۰ قمری هم بدانیم، به سختی بتوان پذیرفت که دختری داشته باشد که بعدها همسر برسی شده باشد. در این صورت باید بپذیریم همسر برسی حدود سی سال از او بزرگتر بوده است. به عبارت دیگر، باید گفت برسی مثلاً در پانزده سالگی با زنی چهل و پنج ساله ازدواج کرده است که چندان پذیرفتنی نیست. مضاف بر آن که در منابع از دختری هم برای ابن داود سخن گفته نشده است.

اما این ابوطالب بن رجب کیست؟ کلید حل این معما چه بسا سخنی است که افندی به نقل از شیخ

بهایبی در ریاض می‌آورد. افندی در بحث از کتاب *زوائد الفوائد*^۱ و این‌که این کتاب نوشته کیست، از شیخ بهایی در *الحدیقة الهالیه* نقل می‌کند که او این کتاب را از خود ابن طاووس می‌داند و نه پسر او. به گزارش افندی، بهایی در ادامه شاهد دیگری برای این اشتباه نام برده و می‌نویسد: «و نحوه یظهر من بعض مولفات الشیخ رجب سبط ابن داود و قد یوجه الاشتباه باتحاد الوالد و الولد فی الاسم و الکنیه و اللقب» (افندی، ۱۶۲/۴). چنان‌که می‌بینیم او شیخ رجب را سبط ابن داوود می‌داند. بر این اساس ابوطالب بن رجب فرزند سبط ابن داوود بوده و ابن داوود جد پدری ابوطالب است و نه جد مادری او. با این حساب این رجب نمی‌تواند رجب بن محمد بن رجب بوسی باشد. حال چه بسا احمد نیز نام همین ابوطالب بوده و یا در صورت تمایز، فرزند دیگر رجب سبط ابن داوود حلی باشد و ربطی به رجب بن محمد بوسی نداشته باشد.

۳. ابهامات پیرامون وجود تاریخی رجب بوسی

پس از ذکر مؤیدات وجود تاریخی رجب بوسی و نقد آنها، به ابهاماتی خواهیم پرداخت که وجود تاریخی این شخصیت را با چالش مواجه می‌کند. این ابهامات بدین قرارند:

➤ نخستین مسئله‌ای که در مورد بوسی توجه محقق را به خود جلب می‌کند، آن است که مشایخ و استادان او معلوم نیست؛ چنان‌که هیچ شاگردی نیز برای او ذکر نشده است. او در آثار خود از هیچ‌کس با عنوان شیخ یا استاد خود نام نبرده است. منابع معاصر و پسین نیز در این زمینه اطلاعاتی به ما نمی‌دهند. افندی تصریح می‌کند که تاکنون مشایخی برای وی نشناخته و نمی‌داند بوسی نزد چه کسانی درس خوانده است (افندی، ۳۰۴/۲). در حوزه نقل روایت نیز چنان‌که خواهیم دید نام او در هیچ یک از اجازات روایی وجود ندارد. تنها نکته‌ای که در این زمینه هست سخن شیخ هاشم بحرانی در معالم زلفی است. به گزارش او بوسی با عبارت «حدثنا الامام شیخ الاسلام ابوالحسن بن علی بن محمد المهدی...» روایتی را از اصبع بن نباته از امیر المؤمنین نقل کرده است. اما چنان‌که سید محسن امین در *اعیان الشیعة* متذکر شده است، این ابوالحسن بن علی بن محمد المهدی از مشایخ فضل بن شاذان عالم امامی قرن ششم بوده و با بوسی هم عصر نیست. امین سپس احتمال می‌دهد که مراد از ابوالحسن بن علی بن محمد المهدی در عبارت بوسی، ابن المهدی المامطری صاحب کتاب *المجالس* باشد (امین، ۳۲۹/۲). وی می‌افزاید: محتمل است که این فرد همان ابوالحسن علی بن مهدی الحسینی المامطری باشد. بر این اساس کلمه «ابن» که در

۱. در مورد نام و نویسنده این کتاب اختلاف است. نام آن «زوائد الفوائد» و «الزوائد و الفوائد» گفته شده است. در مورد نویسنده هم برخی همچون شیخ بهایی و عبدالله افندی معتقدند این کتاب از علی بن طاووس حلی یعنی سید بن طاووس و برخی دیگر مانند علامه مجلسی، خوانساری و آقابزرگ معتقدند از علی بن علی بن طاووس یعنی فرزند سید است (رک: شیخ بهایی، *الحدیقة الهالیه*، ۷۳).

عبارت بحرانی و برسی آمده، باید از اضافات نساخ باشد (امین، ۳۲۹/۲).^۱

➤ مسئله دیگر آن است که هیچ کس از معاصران و حتی هم‌دیاران وی در آثار خود از او نام نبرده‌اند. برای نمونه ابن فهد حلی (۷۵۷-۸۴۱ ق.) کاملاً هم‌عصر برسی است. از نظر مکانی نیز هر دو اهل حله هستند و طبعاً باید با برسی آشنا باشد و آثار او را دیده و سخنانش را شنیده باشد. ابن فهد با آن که مشربش بسیار به برسی نزدیک است، اما در آثارش هیچ اشاره‌ای به وی نمی‌کند. هم‌چنین می‌توان از ابن ابی جمهور احسایی (حدود ۸۴۰-۹۱۰ ق) نام برد. مشرب او نیز بسیار به برسی نزدیک است. شیوه او در بهره‌گیری از فلسفه و تصوف و علم حروف و اعداد و نقل روایات مجهول شباهت بسیاری به شیوه حافظ رجب دارد (رک: ابن ابی جمهور، *مجلی مرآة المنجی فی الکلام و الحکمتین و التصوف*، پنج). برای احسایی بیش از چهل اثر برشمرده‌اند (ابن ابی جمهور، *جمع الجمع*، ۲۴-۳۴).^۲ احسایی دقیقاً معاصر کفعمی است. او از کسی چون سید حیدر آملی بسیار نقل می‌کند؛ همچنان که از ابن میثم بحرانی، فتوحات و فصوص ابن عربی و مفتاح الغیب قونوی نیز نقل می‌کن (ابن ابی جمهور، *مجلی مرآة المنجی فی الکلام و الحکمتین و التصوف*، نه). از نقل کفعمی چنین برمی‌آید که آثار برسی در این دوره شهرت نسبی داشته است (کفعمی، *البلد الامین*، ۶۷۲) با این توصیف، این که ابن ابی جمهور در آثار خود و به ویژه در کتاب-هایی همچون *عوالی اللئالی و مجلی مرآة المنجی فی الکلام و الحکمتین و التصوف*، کوچک‌ترین اشاره‌ای به نام و آثار رجب برسی نمی‌کند، جای تأمل دارد.

➤ سخنان برسی و باورهایی که وی در آثار خود مطرح می‌کند، بی‌تردید موضوعاتی چالش‌برانگیز به شمار می‌رود. ماهیت این‌گونه سخنان چنان است که به راحتی می‌تواند مخالفان و موافقانی را به خود جلب کند. به ویژه مخالفانی که افکار او را غلو و کژدینی دانسته و موضع گرفتن در برابر آن‌ها را وظیفه‌ای شرعی تلقی کنند. جالب آن که برسی خود بارها از این مخالفان شکوه کرده است. او این افراد را به حسادت و نفهمی متهم می‌کند (برسی، ۱۷-۳۱۳). طبیعی است اگر انتظار داشته باشیم نگاهی‌هایی با موضوع رد افکار برسی در دوره‌ای که می‌زیسته و یا کمی بعدتر در دست باشد. اما نگارنده علی‌رغم جستجوی بسیار در آثار عالمان دوره زندگانی برسی، به هیچ‌رديه‌ای که علیه باورها و آثار او از سوی عالمان امامی یا غیر ایشان نوشته شده باشد دست نیافت. همچنین در آثار عالمان معاصر وی نیز هیچ نام و نشانی از برسی و باورها و آثار او به میان نیامده است.

۱. برای صورتی دیگر از این مسئله رک: (شیعی، *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*، ۲۵۰-۲۵۱)

۲. ابوالحسن حافظیان نشان داده است که جمع الجمع که در این جا مورد استناد قرار گرفته است، اثر مستقلی از ابن ابی جمهور نیست، بلکه این کتاب همان *مجلی مرآة المنجی فی الکلام و الحکمتین و التصوف* است حافظیان، ۵۰-۵۲). ما در اینجا به مقدمه این اثر استناد داده‌ایم.

➤ یکی دیگر از ابهامات قابل توجه در وجود تاریخی بُرسی، مسئله اجازات و عدم حضور او در این سنت دیرینه و پذیرفته میان عالمان شیعی است. شیعی بدین مسئله التفات داشته است: «می‌دانیم که فقیهان شیعه علاقه شدیدی به ضبط اسامی مشایخ خود داشته‌اند و سلسله‌های طولانی و متصل تنظیم کرده‌اند که به مشیخه نخستین، تا ابن بابویه و پیش از وی نیز می‌رسد و قسمت اجازات در بحارالانوار و لؤلؤة البحرین از نمونه‌های بارزی است که بر این معنا دلالت دارد» (شیعی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ۲۴۶-۲۴۵). اجازه حدیث که راویان حدیث از مشایخ خود دریافت می‌کرده‌اند، مسئله مورد اهتمام بوده و سندی بر وثاقت و پذیرفتگی احادیث منقول یک محدث به‌شمار می‌رفته است. این سنت اگرچه در دوره‌های معاصر کمی کم‌رنگ شده است، اما در عین حال، هنوز هم تا به امروزه میان محدثان امامیه باقی است. اجازات تا آن‌جا در میان عالمان شیعی اهمیت یافته بوده که برخی از ایشان دست به تألیف مستقلی با عنوان اجازات زده و اجازاتی را که از آن‌ها مطلع بوده‌اند مکتوب کرده‌اند. ظاهراً سید رضی‌الدین علی بن طاووس (م ۶۶۴ ق.) نخستین کسی بوده که چنین اثری نگاشته است. عنوان کتاب او کتاب الاجازات لکشف طرق المغازات فیما یحصی من الاجازات است. او در این اثر هشتصد و هفت اجازه کوتاه و بلند را از عالمان شیعی نقل کرده است. پس از او از شهید ثانی (م ۷۸۶ ق.) دیگر عالم شیعی است که در این زمینه اثر نگاشته است. چنان‌که جمعی از متأخران نیز به این کار دست زده و برخی از این نگارش‌ها با عنوان «کتاب الاجازات» در فهرست مؤلفات ایشان ذکر شده است (جزائری، الاجازة الکبیره، ۲۱). در روزگاری که برای حیات بُرسی ادعا شده است، سنت اجازه حضوری پرنسب در مجامع علمی شیعی داشته و اهل حدیث خود را ملزم به اخذ اجازه روایت از مشایخ حدیثی خود و نقل و گزارش آن در آثارشان و به ویژه در اجازاتی که برای شاگردان و مستمعان خود می‌نوشته‌اند می‌دانسته‌اند. به گفته آیت‌الله مرعشی نجفی، برخی هم چون شهید ثانی و محدث نوری اخذ این اجازه را واجب دیده و ظاهر تعبیر «فارجعوا الی من روی حدیثنا» را گرفتن حدیث از شیخ دانسته و اجازه را وافی به این مقصود تلقی کرده‌اند (رک: جزائری، الاجازة الکبیره، ۶).

با این حال، هیچ نامی از رجب بن محمد بن رجب بُرسی که از خود با لقبی نظیر محدث یعنی یک عنوان روایی معتبر نام می‌برد و کفعمی نیز او را به همین عنوان خطاب می‌کند نمی‌یابیم!

➤ نکته دیگری که نگارنده آن را از ابهامات زندگانی بُرسی می‌داند آن است که در آثار بُرسی هیچ‌جا نقلی شفاهی و مستقیم از کسی نمی‌بینیم. اگر رجب بُرسی فردی واقعی و عینی بود که مانند دیگران در برهه‌ای از زمان زیسته و مانند هر اهل علم دیگری در مجامع علمی رفت و آمد داشته و چنان‌که مرسوم است به خدمت مشایخ روایی یا متکلمان و فقیهان یا پیران سلوک و عرفان و مشایخ تصوف رسیده و از دانش و

بینش آنان بهره گرفته باشد، خیلی طبیعی به نظر می‌رسد که برخی از آن‌چه را از آنان شنیده است در آثار خود منعکس کند و امروزه ما در آثارش با گزارش‌های شفاهی‌ای روبه‌رو باشیم که او بی‌واسطه از معاصران خود نقل می‌کند؛ اما این چنین نیست. بر اساس تتبع نگارنده، او از هیچ دوست و مصاحب و هم‌درس و هم‌دوره و هم‌مباحثه‌ای نیز سخنی به میان نمی‌آورد؛ همچنان‌که هیچ واقعه و رخدادی را نیز در آثار خود گزارش نمی‌دهد. بُرسی هیچ مناظره و گفتگوی مشخصی را هم جز اشاراتی به حسادت حاسدان و مخالفان در آثارش ذکر نمی‌کند. این موارد در کنار هم کار را دشوار می‌کنند. در نهایت ما باید بپذیریم که بُرسی فردی است که نه استاد و شیخی دارد، نه نزد هیچ استاد و شیخ و فقیه و از همه مهم‌تر راوی دیگری حاضر شده است! نه دوست و هم‌درسی دارد. نه به احتمال فرزند و خانواده‌ای!

➤ مقایسه وضعیت رجالی بُرسی با فردی مانند ابن متوج (م ۸۲۰ ق.) به خوبی نشان‌گر موجه بودن تردید در واقعیت داشتن بُرسی است. ابن متوج از منطقه‌ای کمتر شناخته شده مانند جزیره اوال بحرین بوده است. او مانند فردی واقعی زیسته، سفر کرده، دانش آموخته، زندگی کرده، نوشته و مرده است. حال با وجود این‌که اطلاعات ما در مورد او بسیار کم است، اما می‌دانیم استادان و شاگردان و فرزندش کیست. مشایخ روایتش چه کسانی‌اند و کجا دفن شده است. یعنی کم‌ترین جزئیاتی که در مورد یک انسان طبیعی و واقعی باید در تاریخ بماند در مورد او مانده است و در وجودش تردیدی نمی‌توان داشت. برای مثال می‌دانیم که ابن متوج فقیهی بود که فتاوایش در نقاط دورتر نیز تا حدودی شهرت داشته است و مؤلفان، برخی اقوال فقهی وی را مورد توجه قرار داده‌اند. احمد بن فهد احسایی، فخرالدین سیبسی (برای اطلاع بیشتر در مورد سیبسی رک: تهرانی، طبقات اعلام الشیعة، ۷/۶-۸) و احمد بن محذم اوائلی از ابن متوج بهره برده و روایت کرده‌اند. در حالی که در مورد رجب بُرسی چنین چیزی را شاهد نیستیم.

با وجود این ابهامات، باید در وجود تاریخی رجب بُرسی به عنوان یکی از متکلمان رسمی امامیه در قرن هشتم و نهم تردید روا داشت. به باور نگارنده اگر بخواهیم رجب بُرسی را فردی اصیل و خارجی بدانیم، باید او را مردی ناشناس و منزوی تصور کنیم که صرفاً در کنج خانه‌ای پر از کتاب نشسته و به تالیف پرداخته است! این تصویر البته با گلایه‌های او در جای‌جای آثارش از برخورد حسودان و مخالفان همخوان نیست (رک: بُرسی، ۳۱۳-۳۱۵). در نهایت نگارنده بر اساس شواهد پیش‌گفته با قطعیت وجود تاریخی رجب بُرسی را نفی نکرده و آن را به پژوهش‌هایی دامنه‌دارتر موکول می‌کنند.

در عین حال، احتمالات دیگری را نیز در این باره قابل طرح می‌دانند. برای نمونه چه بسا بُرسی عالم شیعی دیگری با گرایش‌های باطنی و عرفانی باشد که از بیان باورهایی این‌چنینی به نام خود واهمه دارد. او بر همین اساس دست به آفرینش شخصیتی به نام رجب بُرسی زده و افکار خود را از زبان او بیان می‌کند. به

هر روی، ما با منظومه‌ای فکری و منسجم مواجهیم که اثر عمیقی بر فکر شیعی پس از خود نهاده است. بنا بر این فرض، باید دید چه کسی می‌تواند چنین منظومه‌ای را در آن دوره بیافریند و به بررسی منسوب کند. احتمال دیگر آن است که بررسی یکی از داعیان حروفی است. می‌دانیم که حروفیان در این دوره و پس از ترور ناموفق شاهرخ تیموری (۸۰۷ - ۸۵۰ ق.) به دست احمد لر، تحت تعقیب قرار گرفته و حروفی‌گری جرمی نابخشودنی تلقی می‌شود. برخی از آنان با سکنی گزیدن در میان دیگر مذاهب، اندیشه‌های خود را در قالب باورهای آن مذهب ترویج می‌کرده‌اند. چه بسا بررسی یکی از اینان باشد.

نتیجه‌گیری

رجب بن محمد بن رجب بررسی فردی با گرایش‌های عرفانی و باطنی به ویژه در مسئله امامت است. تاریخ ۷۴۳ تا ۸۱۳ قمری برای زندگانی وی گفته شده است. اولین یادکرد از او در آثار عالمان شیعه نزدیک صد سال بعد و در آثار تقی الدین کفعمی مشاهده می‌شود. عموم کسانی که به او پرداخته‌اند، اصالت او را قطعی گرفته‌اند. در عین حال، مواردی هم چون عدم ذکر نام و آثار او در کتب معاصرانش، معلوم نبودن مشایخ، شاگردان و مصاحبان او، نبودن نام او در اجازات روایی، معلوم نبودن فرزندان و خاندان، نبودن ردیه بر آثار او، عدم نقل شفاهی از دیگران و ... ابهاماتی تأمل‌برانگیز در مورد او به‌شمار می‌رود. شاگردی فردی مجهول به نام ملاپریشان لر نزد او ثابت نیست. نیز احمد بن رجب و ابوطالب بن رجب نمی‌توانند فرزندان او باشند. بررسی یا فردی منزوی و خانه‌نشین است، یا عالم شیعه دیگری که از بیان اندیشه‌هایش به نام واقعی خود واهمه دارد. در احتمالی دیگر نیز ممکن است او یکی از داعیان حروفی باشد که در این قالب به ترویج افکار خود دست زده است.

منابع

- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین، *مجله مرآة المنجی فی الکلام والحکمتین والتصوف*، مقدمه زابینه اشمیتکه، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۷.
- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین، *جمع الجمع*، محقق موسسه ام القرى للتحقیق و للنشر، دارالهدی، قم، ۱۳۹۰.
- ابن داود الحلّی، حسن بن علی، *کتاب الرجال*، تحقیق محمد صادق بحر العلوم، انتشارات الشریف الرضی، قم، ۱۳۹۳ ق.
- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، محقق احمد حسینی اشکوری، به اهتمام

- محمود مرعشی، کتابخانه مرعشی، قم، ۱۴۰۱ق.
- امین جبل عاملی، سید محسن، اعیان الشیعة، تحقیق حسن امین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- برسی، رجب بن محمد بن رجب، مشارق انوار الیقین فی حقائق اسرار امیر المومنین، دار الجوادین، نجف، ۱۴۳۱ق.
- تقی الدین کفعمی، ابراهیم بن علی، جنة الامان الواقية و جنة الايمان الباقية (معروف به المصباح)، تحقیق حسین اعلمی، مؤسسة الاعملی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- تقی الدین کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الامین و الدرع الحصین، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۵ق.
- تقی الدین کفعمی، ابراهیم بن علی، مجموع الغرائب و موضوع الرغائب، مؤسسه فرهنگي انصار الحسين، قم، ۱۳۷۱.
- توبلی بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیة الابرار فی احوال محمد وآله الاطهار علیهم السلام، تحقیق غلامرضا مولانا بروجردی، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.
- توبلی بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، ینابیع المعاجز و اصول الدلائل، تحقیق فارس حسون کریم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۶ق.
- توبلی بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق بنیاد بعثت، مؤسسه البعثه، قم، ۱۴۱۵ق.
- تهرانی، شیخ آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعة (۱۷ جلدی)، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۳۰ق.
- تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعة، گردآورنده احمد بن محمد بن حسینی، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- جزایری، نعمت الله بن عبدالله، الانوار النعمانیة، نشر القاری، بیروت، ۱۴۲۹ق.
- جزایری، عبدالله بن نور الدین، الاجازة الکبیرة، مصحح محمد سماوی حاتری، مقدمه شهاب الدین مرعشی، اشرف محمود مرعشی، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۹ق.
- حافظیان، ابوالحسن، «جمع الجمع اشتباهات»، گزارش میراث، دوره دوم، ضمیمه ش ۳، ۱۳۹۱، صص ۵۰-۵۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن، امل الامل فی علماء جبل عامل، تحقیق احمد حسینی اشکوری، دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۳۶۲.
- خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، ناشر دهاقانی (اسماعیلیان)، قم، ۱۳۹۰ق.
- درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنیخا)، ج ۶، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ۱۳۹۱.

- درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنا)، ج ۳۵، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، (۱۳۹۴ش)
- دیلمی، محمد بن حسن، ارشاد القلوب، الشریف الرضی، قم، ۱۳۷۱.
- رضوی حائری، سید ولی الله، دررالمطالب و غرر المناقب فی فضائل علی بن ابی طالب، محقق محمد حسین نوری، مصحح مکتبه العتبه العباسیه المقدسه، العتبه العباسیه المقدسه، کربلا، ۱۴۳۱ ق.
- روحبخشان، عبدالمحمد، پریشان لر، در: دایره المعارف بزرگ اسلامی (ج ۱۳، ص ۶۲۷-۶۲۹)، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
- شبر، جواد، ادب الطف، دار المرتضی، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین، الحدیقه الهالیه، تحقیق علی موسوی خراسانی، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۱۱ق.
- شبیبی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۷.
- شبیبی، کامل مصطفی، الفكر الشیعی و النزعات الصوفیه حتی مطلع القرن الثانی عشر الهجری، مطبعة النهضة، بغداد، ۱۳۸۶ق.
- طریحی، فخر الدین بن محمد، المنتخب للطریحی فی جمع المراثی و الخطب، تصحیح نضال علی، موسسه اعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۴ق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الكلمات المکنونه، چاپ کنگره فیض، اشرف محمد امامی کاشانی، تحقیق علیرضا اصغری، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران، ۱۳۸۷.
- قمی، شیخ عباس، الکنی و الالقاب، مکتبه الصدر، تهران، ۱۳۶۸.
- مجلسی اول، محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی، روضه المتقین، تصحیح موسسه دارالکتب الاسلامی، دار الکتب الاسلامی، قم، ۱۴۲۹ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الانمه الاطهار علیهم السلام، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- مختاری، رضا، بُرسی، در: دانشنامه جهان اسلام (ج ۳، ص ۱۰۳ - ۱۰۵)، بنیاد دایره المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
- مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب یا کنی و القاب (۹ جلدی)، انتشارات خیام، تهران، ۱۳۲۶.
- ملا پریشان لر، پریشان نامه، نسخه خطی، کتابخانه ملی، تهران، (شماره نسخه: ۱۶۷۷۵)
- Amir-Moezzi, Mohammad Ali. "Al-Durr al-tamīn attribue a Rağab al-Bursī. Un exemple des

«commentaires coraniques personnalisés» Ši'ites (Aspects de l'imamologie duodécimaine XVI)," *Le Muse on*, vol. 130, issue 1-2, pp. 207-240. doi: 10.2143/MUS.130.1.3214930 - 2017.

- Lawson, Todd, "Mashariq anwar al-yaqīn fī haqā'iq asrar amīr al-mu'mīnīn (The Dawning Places of the Lights of Certainty in the Divine Secrets connected with the Commander of the Faithful)," in L. Lewisohn (ed.), *The Heritage of Persian Sufism*, London: Oneworld Publications, 1999, vol. 2, 261-276.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی